معرفی کتاب

چراغ‌های کوچک شهر

روایت زهره فرهادی از روزهای مقاومت خرمشهر

***مریم بدر رجایی**

چراغ‌های کوچک شـهر به قلم فائزه ساسانی‌خواه در ۵۴۳ صفحه توسط نشر سوره مهر چاپ شده است.

این کتاب روایت خانم زهره فرهادی از روزهای مقاومت در سالهای جنگ تحمیلی و فعالیت‌های داوطلبانه اسـت. وی برای امدادگری بـه خطوط مقدم می‌رود و مجبور می‌شـود اسلحه به دست بگیرد و در خطوط مقدم مجروح می‌شود این کتاب حاصل ۵ سال تحقیقات میدانی و پیاده‌سازی خاطرات می‌باشد.

فائزه ساسانی‌خواه درباره این کتاب می‌گوید: این رنج را بر خودم تحمیل کردم که علاوه بر ضبط خاطرات و پیاده کردن آن اثر برای مخاطب جذاب و پر کشش باشد از این رو روایت کاملا مستند را تا جایی که امکان و انعطاف داشت بدون مخدوش کردن آن به اثر داستانی نزدیک کردم.

***برشی از کتاب**

«دیگر غروب شده بود. باید تا قبل از تاریک شدن هوا برمی‌گشتیم. هنگام برگشت، از چراغ‌های رنگارنگی که انعکاس نورشـان روی شط می‌افتاد و تصویری زیبا و خیره‌کننده به وجود می‌آورد، خبری نبود. از پیاده‌روهای شلوغ و چراغ‌های خیابان‌ها که بعد از تاریکی هوا روشـن می‌شـدند جز ویرانی و خرابی چیزی نمانده بود و شهر در سکوتی حزن‌انگیز فرورفته بود. غمی سنگین بر دلم نشست و با خود گفتم: «یعنی شهر از نو ساخته می‌شود؟ مردم می‌توانند به اینجا برگردند و زندگی را با آرامش از سـر بگیرند؟ یعنی دوباره شـهر مهمان‌نوازمان رونق می‌گیرد؟ مسـافران نوروزی به این شـهر می‌آیند و روز سـیزدهم فروردین سبزه‌هایشان را به آب می‌اندازند؟ دوباره خرمشهر، خرم می‌شود؟»

امیر ثامری مصمم بود هرطور شـده شـهدا را به عقب برگرداند. توی دسـتش دو قبضـه آرپی‌جی و چند گلوله بود خطاب به پسـرها گفت: «باید چند جای سـاختمان گمرک رو که عراقی‌ها مسـتقر هستن با آرپی‌جی بزنم تا عقب بکشن، بتونم برم بیژن و ریاض رو بیارم.»

ادامه داد: «کی حاضره با من بیاد و خدمه آرپی‌جی بشه؟ باید گلوله‌ها رو همراه من بیاره و خرج آرپی‌جی‌ها رو وصل کنه..»

حس کردم بچه‌ها خسـته شده‌اند. روحیه‌شـان به خاطر کمبود نیرو و تجهیزات و شـهادت ریاض و بیژن ضعیف شـده. کار پر کردن خشـاب‌ها را رها کردم. ایستادم و گفتم: «من! من با شما می‌آم!» همه با تعجب نگاهم کردند.

آمنه سمیع همسر شهید غلامرضا کاووسی

تنها خواسته‌ام دیدار با امام خمینی(ره) بود

همسـر شهید غلامرضا کاووسـی می‌گوید: تنها خواسته‌ام دیدار با امام خمینی(ره) شده بود تا من و بچه‌هایم را دعا کند، اگرچه نتوانسـتم به دیدار ایشـان نائل شوم ولی عشق به امام خمینی(ره) روح امید را در وجود من زنده کرده بود.

آمنه سـمیع قهفرخی، که علی‌رغم از دست دادن سه برادر، همسر و سـه خواهرزاده‌اش در راه حفظ و دفاع از وطن، ایمان و اعتقادش سست نشـد و این امر سـبب ادامـه دادن راه شهیدان شد.

آمنه سمیع از پدر و مادرش می‌گوید: پدرش حاج یدالله سـمیع از نام‌آشناترین مردان فرخ‌شـهر بوده اسـت؛ نمادی از مقاومـت و ایسـتادگی، و زمانی که دو پسـرش شهید شـدند و این بار قرار بود پسر دیگرش به جبهه رود مانع او نشد و چون می‌دانسـت راهی که آنها در پیش گرفته‌اند در راه حفاظت از دین خداست، به تقدیر الهی راضی بود.

آمنه سـمیع می‌گوید: پـدرم؛ حاج یـدالله در زمان حضور برادرانم در جبهه و چه بعد از آن زیاد به جبهه می‌رفت و افراد زیـادی از او درس می‌گرفتند، او همواره خدا را شـاکر بود که چنین فرزندانی دارد و هیچ‌وقت گله و شـکایتی نداشت، حتی زمانی که مادرم فوت شده بود و پدرم تنها بود.

از مادرش می‌گوید، مادری که داغدار سـه فرزند، سه نوه و یک داماد شـهید بوده اسـت و درحالی که اشک در چشمانش موج می‌زند این جمله مادرش را به زبان می‌آورد که گفته بود: خدا یک امانتی به ما داد و خودش هم گرفت.

*** خواهر شهید از برادرانش می‌گوید**

بـا آغاز جنگ بـرادر کوچک‌ترم ولی‌الله درحالـی که دوره راهنمایـی را می‌گذراند درس را رها کرد و همراه دیگر برادرم عبـدالله که معلم بـود راهی جبهه‌های جنگ شـدند و بعد از یک سـال حضور در جبهه، ولی‌الله در ۱۷سالگی و عبدالله در ۲۹سـالگی در شهریور ماه سال ۶۰ جام شهادت را به‌فاصله ۶ روز از یکدیگر نوشیدند.

برادرم عبدالله در اوایل انقلاب در فعالیت‌های انقلابی شرکت می‌کرد و زمانـی که معلم بود در برپایی کلاس قرآن و هدایت دانش‌آموزان در مسیر حفاظت از دین و وطن کوشا بود.

هشتم آذر ماه سال ۶۰ شهادت خواهرزاده‌ام؛ بهرام زاهدی را شـنیدیم که در سـن ۱۶سـالگی شهید شـد، در این زمان احسـاس می‌کردم این بار نوبت من اسـت که باید قدم در راه برادران و خواهرزاده شهیدم بگذارم.

بعـد از آن برادر بزرگ‌تـرم؛ قدرت‌الله سـمیع در عملیات رمضان در سن ۳۶سالگی در تاریخ هفتم مرداد ماه ۶۱ درحالی که مجروحان را با آمبولانس انتقـال می‌دادند به‌دلیل برخورد یک خمپاره با آمبولانس شـهید شد، اوایل فکر می‌کردیم که اسیر شده است تا اینکه متوجه شدیم جزو مفقودین است.

برادرم قدرت‌الله در جبهه امدادگر بود، بسیار خوش‌اخلاق و مردم‌دار بود و علاقه زیادی به ادامه تحصیل من داشت، زمانی که برای مرخصی به خانه برگشـته بود پای ایوان ایستاده بود و به ما سـفارش می‌کرد؛ به او گفتم: می‌خواهم مرا شـفاعت کنی.

شـهید قدرت‌الله سـمیع ارادت ویژه‌ای به امام حسـین(ع) داشت و نامه‌های زیبایی می‌نوشت.

سردار شهید غلامرضا کاووسی

سال ۶۱ با جوان پاسـدار غلامرضا کاووسی ازدواج کـردم، آن روزهـا غلامرضا پاسـدار بود و بـرای مـن همراهی بـا او معنـای حضور در جبهه را داشـت، ازسـویی به‌خاطـر علاقه‌ام به امـام خمینی(ره) از غلامرضا خواسـتم تا خطبه عقدمان را ایشان بخوانند و او نیز مخالفتی نکرد اما این موضوع محقق نشد.

مراسم عقد و ازدواجمان در اوج سادگی برگزار شـد و غلامرضا دوست داشت که با همان لباس پاسداری و اسلحه بر سر سفره عقد حاضر شود.

شـهید غلامرضا کاووسی بیشتر زمان خود را در میادین جنگ سـپری می‌کرد و من نیز کنار بچه‌داری به معلمی نیز مشغول بودم.

بعد از مدتی دومین خواهرزاده‌ام؛ سـعید زاهدی درحالی که تنها ۲۰ سال داشت در عملیات محرم در ۱۴ آبان ۶۱ آسمانی شد.

داغدار ۳ برادر و ۲ خواهرزاده‌ام بودیم که غلامرضا علی‌رغم مخالفت آشنایان و دوستان عزم سفر به جبهه را داشت، وقتی او را میـان رزمندگان ندیدم باورم شـد که نرفته ولی غافل از آنکه خودش را زیر صندلی پنهان کرده بود و رفته بود.

شـهید غلامرضا کاووسـی برای جبهه و دفـاع از وطنش ارزش ویژه‌ای قائل بود.

هرلحظه منتظر بودم تا جنگ روزی تمام شـود، یک بار از غلامرضا پرسـیدم؛ چه‌زمانی جنگ تمام می‌شود، او در جواب به‌آرامی گفت: تا انقلاب مهدی(عج).

غلامرضا همیشـه می‌گفت: می‌خواهم تـا آخر جنگ زنده باشم و در آخر نیز آرزوی شهادت کرد تا به مقام شهادت نائل شد.

تنها یک بـار گریه غلامرضا را دیـده بودم و آن زمانی بود که روزی بعد از نماز جمعه با چشمان قرمز و صدایی لرزان به خانه آمد، وقتی موضوع را جویا شدم، گفت: امام جمعه شـهر؛ حاج آقا توسلی توسـط عوامـل ضدانقـلاب در کردستان به شهادت رسیده‌اند.

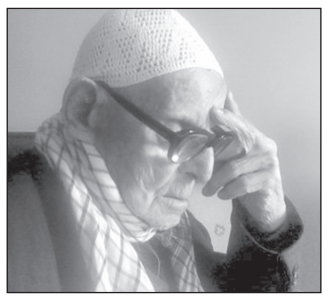

آمنه سمیع همسر شهید غلامرضا کاووسی در ادامه خاطراتش می‌گوید: اواخر سـال ۶۱ بود و فرزند سـوممان ۶-۷ماهه بـود، زمان بدرقه غلامرضا فرارسـیده بود، انگار کسـی به من می‌گفت: این بار آخر است و آب و قرآن دیگر اثری ندارد، نه می‌توانستم بگویم بمان و نه می‌توانستم بگویم برو.

وقتی متوجه شـد که آب و قرآن بـرای بدرقه‌اش نیاوردم، گفت: پس قرآن و آب نمی‌آوری؟ قرآن را بالای سرش گرفتم، باید تسلیم تقدیر می‌شدم.

غلامرضـا بعد از ۶ سـال حضـور در جبهـه در تاریخ ۲۳ اسـفندماه ۶۶ به شهادت رسـید و زمانی که برای شناسایی او رفته بودم فهمیدم که او همان غلامرضاست.

در این زمان که کاروان شهدا علاوه بر پدر بچه‌هایم، پیکر برادرش علیرضا و سـومین خواهـرزاده‌ام؛ حمید زاهدی و ۱۵ شـهید دیگر روی دست‌های مردم می‌رفتند، مادرم داغدار سه پسر، سه نوه و داماد جوانش بود.

آمنه سـمیع می‌گوید: خواهرزاده‌ام حمید زاهدی همیشه به خواهرم می‌گفت: آقاجون (حاج یدالله سمیع) هروقت به جبهه می‌آید رزمندگان روحیه می‌گیرند.

شهید غلامرضا کاووسـی زندگی بسیار ساده و بی‌آلایشی داشـت و یک سال قبل از شـهادت نیز به سفر تمتع رفته بود و در راهپیمایـی برائـت از مشـرکان در آن سال شرکت کرده بود و به‌طور معجزه‌آسایی علی‌رغم زخمی شـدن به‌سـلامت به خانه بازگشت.

آمنه سـمیع از دیدارش بـا حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری می‌گوید:

بین سال‌های ۶۰-۶۱ بود که همراه پدر و مادرم درحالی که دو برادرم شـهید شـده بودنـد به دیدار حضرت امـام خمینی(ره) در جماران رفتیم و در زمانی که آقای خامنه‌ای، رئیس‌جمهـور بودند نیز به‌همـراه گروه‌های بسیجی خواهران برای شرکت در گردهمایی بزرگ بسیجیان به دیدار آقا رفتیم.

تنها خواسـته‌ام دیدار با امام خمینی(ره) شـده بود تا من و بچه‌هایـم را دعا کند، سـرانجام پدرم بعـد از صحبت با امام جمعه وقت شـهرکرد توانسـتند وقت ملاقاتی با حضرت امام خمینی(ره) برای من بگیرند، در این زمان بیماری امام بیشـتر شده بود و من نتوانستم به دیدار امام بروم.

شبی که حضرت امام خمینی(ره) رحلت کردند حال عجیبی داشتم، صبح همان روز از تلویزیون شنیدم که امام دیگر میان ما نیستند.

کم‌کم شـروع به نوشـتن کردم و شـعری را سرودم که به شما تقدیم می‌کنم:

شبنم هجر گل از غنچه آلاله دل می‌فشرم
خون خورشید به جان، عطر بیفشانده به گلدان جهان می‌طلبم
گل بشکفته زمستان و پرش چیده بهاران عجبا
چهر مهتاب ملک برده به مهمانی خورشید لقا می‌طلبم
گل من داغ ضعیفان به دل و پرچم احسان یتیمان به سرش
گل حسرت به دلان را به تماشاگری سر بقا می‌طلبم
غنچه از شاخه بنشانده او رسته غم هجر بشوی
من بقا ریشه گل، برگ و بر و ساقه او را زخدا می‌طلبم

*** گزارش از: سمانه حبیبی**

یک قرن زندگی قرآنی؛ مرحوم حاج یدالله سمیع پدر ۷ شهید

حاج یدالله سمیع اهل فرخشهر از توابع شهرستان شهرکرد با حدود یک قرن زندگی قرآنی، پدر ۷ شهید است.

وی گفـت: هر سـه فرزند پسـرش به نام‌های قـدرت‌الله، عبدالله و ولی‌الله و همسر یکی از دخترانش به نام سردار شهید "غلامرضا کاووسـی" در جبهه‌های حق علیه باطل به شهادت رسیدند.

علاوه بر این چهار شـهید، شـهیدان حمید، سعید و بهرام زاهـدی از نوه‌هـای دختری حاج یدالله با سـن کمشـان در جبهه‌های حق علیه باطل به شهادت رسیدند.

بـه پاس ایثارگری‌های این پدر صبـور، تندیس حاج یدالله سمیع با همکاری شورای شهر فرخشهر در یکی از میادین این شهر نصب خواهد شد.

حاج یدالله سـمیع در آبان‌ماه سال ۹۰ در سن ۱۰۰ سالگی دار فانی را وداع گفت.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت سلاسل‌گستر سهامی خاص به شماره ثبت ۱۱۳۰ به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۶۴۴۲۳۰

بدین‌وسیله از کلیه سهامداران یا نمایندگان قانونی شرکت سلاسل‌گستر سهامی خاص به شماره ثبت ۱۱۳۰ دعوت به عمل می‌آید تا در جلسـه مجمع عمومی عادی سـالیانه مورخ ۱۴۰۰/۳/۲۳ ساعت ۰۹:۰۰ صبح در محل: استان تهران - شهرسـتان رباط کریم - بخش مرکزی - شـهر نصیرشهر - محله شهرک صنعتی نصیرشهر - خیابان سرو - خیابان سرو ۳- پلاک ۱- E22-23 طبقه همکف کدپستی ۳۱۱۳۳۱۳۶۱۶ تشکیل می‌شود حضور به هم رسانند.

دستور جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه: ۱ - انتخاب بازرسین

هیأت مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت ابزار برقی ایران (سهامی خاص) شماره ثبت: ۸۵۲۷۹- شناسه ملی: ۱۰۱۰۱۲۹۷۴۵۳

بدینوسـیله از کلیه سهامداران محترم دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی سـالیانه که در سـاعت ۱۰:۳۰ روز پنج‌شـنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۱۰ در محل قانونی شـرکت تشکیل می‌گردد، حضور بهم رسانند.

دسـتور جلسه: ۱ - استماع گزارش بازرسین قانونی و هیئت مدیره برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۱۲/۳۰ ۲ - تصویب ترازنامه سـال مالی ۱۳۹۹ ۳- انتخاب حسـابرس و بازرسـین قانونی شرکت ۴- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار

هیئت مدیره

دعوتنامه تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه نوبت اول شرکت ایثارگران مقدور محلات

اولین نوبت جلسـه مجمع عمومی سـالانه شـرکت ایثارگـران مقدور به شـماره ثبت ۲۵۶ و شناسـنامه ۱۰۷۸۰۰۱۷۷۵۴ شهرستان محلات در روز شـنبه مورخ ۱۴۰۰/۳/۱۵ ساعت ۵ بعد از ظهر در مکان بیت‌الشهدا شهرستان محلات جنب گلزار شهدا برگزار می‌گردد.

دستور جلسه:

۱ - انتخاب اعضاء هیئت مدیره بمدت ۲ سـال ۲- انتخاب بازرس بمدت یکسال ۳- گزارش عملکرد شرکت

هیئت مدیره شرکت ایثارگران محلات

آگهی ابلاغ رای

خانـم فرخنـده نورائی بـه شـماره ملـی ۱۹۱۱۳۷۲۴۵۹ فرزند نصراله

پرونـده نامبرده بالا به اتهام غیبـت متوالی در این هیئت مطرح و به مجازات اخراج از دسـتگاه متبوع محکوم گردیده است . لذا به علت عدم دسترسـی به مشارالیها و مسـتند به تبصره ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسـی در امـور مدنی مراتب در یک نوبت منتشـر می شـود تـا چنانچه محکوم علیـه ظرف مـدت ۳۰ روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراضی دارند در یکی از روزهای اداری به مدیریت توسـعه منابع انسـانی و بهره وری پژوهشـگاه میراث فرهنگی و گردشـگری واقع در تهران خیابان امـام خمینی - ابتدای خیابان سی تیر روبروی موزه ملی ایران مراجعه نمایند .

هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری شعبه ۳ کارمندان وزارت میراث فرهنگی ، گردشگری و صنایع دستی

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت مجتمع شیر و گوشت گاوداره (سهامی خاص) به شماره ثبت ۹۵۵۲۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۹۵۹۱۶

بدینوسـیله از کلیه سـهامداران شـرکت دعوت به عمل می آید جهت تشـکیل جلسـه مجمع عمومی عادی سـالیانه در تاریخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۶ ساعت ۱۰صبح در محل مرکزی شـرکت حضور بهم رسانند.

دسـتور جلسـه: ۱ - انتخاب بازرسین شـرکت ۲ - تصویب تراز حساب و سـود و زیان سال مالی ۱۳۹۹

هیات مدیره

آگهی مزایده اموال غیرمنقول پرونده کلاسه ۹۱۰۰۰۴۹ علیه محمدرضا اردستانی

به موجب پرونده اجرائی کلاسه فوق ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی بمساحت ۱۱۷۷۳ متر مربع پلاک ثبتی ۱۶۲/۸۲۳ واقع در قلعه سین بخش بهنام سـوخته که ذیل ثبت ۷۵۵۱۰ صفحه ۳۴۳ دفتر ۱۳۹ به نام محمدرضا اردسـتانی ثبت و سـند صادرگردیده است به موجب سند رهنی شماره ۸۲۱۷ دفتر ۱۷ پیشوا در رهن بانک صادرات شعبه سرپرستی قرار گرفته طبق نظر کارشناس رسمی مبلغ هفده میلیارد و ششصد و پنجاه و نه میلیون و پانصد هزار ریال ارزیابی شـده واقع در پیشـوا روسـتای قلعه سـین جاده معین آباد خیابان زارعین(معرف به مرغداری) بعد از کانال گلخانه سـابق اردسـتانی که به صورت ششـدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۱۷۷۳ دارای پروانه تاسیس یک واحد گلخانه به مسـاحت ده هزار متر مربع جهت تولید گل و گیاه از سـازمان جهاد کشـاورزی استان تهران به شماره پروانه ۱۴۵۶ مورخ ۸۶/۵/۲۸ می باشد در حال حاضر فاقد اسـکلت گلخانه بوده و جمع آوری شـده اسـت . یک باب بنای مسـکونی نگهبانی به مساحت ۴۰ متر مربع در ضلع شمال غربی ملک و استخر ذخیره آب در ضلع جنوب شرقی ملک احداث گردیده است. ملک دارای حقابه بوده و در زمان بازدید اشتراک گاز بنام فرد دیگری و همچنین فاقد اشتراک برق می باشد، پلاک فوق از ساعت ۹ الی ۱۲ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۳/۲۳ در اداره ثبت پیشوا واقع در خ شـریعتی جنب درمانگاه فردوس از طریق مزایده به فروش می رسـد. مزایده از مبلغ پایه هفده میلیارد و ششـصد و پنجاه و نه میلیون و پانصد هزار ریال شـروع و به بالاترین قیمت پیشـنهادی نقدا فروخته می شـود. مزایده از مبلغ پایه شـروع و به بالاترین مبلغ پیشنهادی فروخته می شود. شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت که پرداخت فوق از طریق دستگاه pos (پوز) ۴۸ سـاعت اداری قبل از شـروع مزایده و پرداخت از طریق سیسـتم بانکی ۷۲ سـاعت اداری قبل از شروع مزایده(لازم به ذکر است استرداد وجوه از دهم ماه بعد قابل اجرا می باشـد) و حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسـه مزایده اسـت . برنده مزایده مکلف است مابه التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حسـاب صندوق ثبت تودیع نماید و در صورتی که ظرف مهلت مقرر مانده فروش را به حساب سپرده ثبت واریز نکند مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد در این صورت عملیات فروش از درجه اعتبار سـاقط و مزایده تجدید می گردد. لازم به ذکر اسـت پرداخت بدهی های مربوط به آب، برق، گاز اعم از حق انشـعاب یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آن ها باشد و نیز بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شـده یا نشـده باشـد به عهده برنده مزایده اسـت و نیز در این صورت وجود مازاد وجه پرداختی بابت هزینه های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسـترد خواهد شـد و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول می گردد. ضمنا چانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد. م.الف ۱۲۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۳/۱۱

رئیس ثبت اسناد و املاک پیشوا- فرزاد میررضائی

تجدید مناقصه عمومی

نوبت دوم — شماره مناقصه : ۲۰۰۰۰۵۰۲۰۵۰۰۰۰۴

شهرداری ابرکوه در نظر دارد به استناد مجوزهای شماره ۱۰۳۵ شورای محترم اسلامی شهر ابرکوه و بر اساس بودجه پیشنهادی سال ۱۴۰۰ نسبت به واگذاری امور مطابق جدول ذیل از طریق برگزاری مناقصه عمومی به پیمانکاران و شرکتهای ذیصلاح و واجد الشرایط اقدام نمایند.

فعالیت	مدت پیمان (ماه)	برآورد اولیه (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)
واگذاری خدمات حفظ ، نگهداری و توسعه فضای سبز شهر ابرکوه	۱۲	۲۹/۳۰۱/۵۱۶/۵۵۱	۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰

نوع تضمین شـرکت در مناقصـه: بصورت ضمانتنامه معتبـر بانکی در وجه شهرداری ابرکوه در وجه شهرداری ابرکوه

مهلت و چگونگی دریافت اسـناد مناقصه: مراجعه به امور مالی شـهرداری ابرکوه و یا سامانه ستاد به آدرس www.setadiran.ir

مهلت و محل تحویل اسناد مناقصه: تاپایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۱۳

واحد حراست شهرداری ابرکوه

تاریخ و محل گشـایش پاکت ها: مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۱۷ سـاعت ۸ در محل شهرداری ابرکوه

* برندگان اول و دوم وسـوم هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشـوند سپرده آنها ضبط خواهد شد.

* شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار می باشد.

* سـایر اطلاعـات و جزئیـات مربوط به معاملـه در اسـناد مناقصه مندرج است

حسین حاتمی- شهردار ابرکوه

آگهی تجدید مناقصه عمومی

نوبت اول

شـرکت سـهامی آب منطقه ای مرکزی (به عنوان دسـتگاه مناقصه گذار) در نظر دارد مناقصه احداث ساختمان اداری شهرستان زرندیه تا پایان مرحله سفت کاری را بر اساس مشخصات و شرایط کلی مندرج ذیل مجدداً برگزار نماید.

۱ - موضوع مناقصه - نوع مناقصه: احداث ساختمان اداری شهرستان زرندیه تا پایان مرحله سفت کاری - یک مرحله ای

۲ - مبلغ برآوردی: ۹,۷۰۸,۳۷۵,۱۳۳ ریال (نه میلیارد و هفتصد و هشـت میلیون و سـیصد و هفتاد و پنج هزار و یکصد و سـی و سه ریال)

۳ - مبلـغ تضمین فرآیند ارجـاع کار(ریال): ۴۸۵,۴۱۸,۷۶۰ (چهارصد و هشـتاد و پنج میلیون و چهارصـد و هجده هزار و هفتصد و شصت ریال)

۴ - محل اجرا - مدت اجرای کار (ماه): استان مرکزی - شهرستان زرندیه - ۶ ماه

۵ - شرایط مناقصه گران: شرکت های پیمانکاری دارای صلاحیت رشته ابنیه در کلیه پایه ها

* متقاضیان شرکت در مناقصه می توانند جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ درج آگهی، از ساعت ۸ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۰/۳/۱۲ الی سـاعت ۸ صبح روز پنج شـنبه مورخ ۱۴۰۰/۳/۲۰ به سـامانه تدارکات الکترونیکی دولت به شـماره فراخوان: ۲۰۰۰۰۰۰۱۱۶۴۰۰۰۰۰۹ به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نموده و اسـناد را دریافت نمایند. ضمناً آگهی فوق در سـایت اینترنتی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی کشور به آدرس: http://iets.mporg.ir، قابل رویت می باشد.

* متقاضیان موظفند اسـناد را پس از تکمیل و ارائه مدارک خواسـته شده حداکثر تا ساعت ۸ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۳/۲۹ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت بارگذاری نمایند.

روابط عمومی شرکت سهامی آب منطقه‌ای مرکزی

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران

اداره کل فرودگاههای خوزستان در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله ای سرویس و نگهداری و تعمیرات کلی سیسـتم های تأسیسـات مکانیکی و الکتریکی فرودگاه بین المللی شـهید سپهبد قاسـم سلیمانی اهواز، به شـماره مناقصه ۲۰۰۰۰۰۵۶۹۱۰۰۰۰۰۵ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید، کلیه مراحل برگزاری مناقصه اعم از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس:www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران فیزیک پاکت الف مناقصه را هم در موعد مقرر ارسال نمایند و در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ انتشار مناقصه درسامانه مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۱۱ می باشد.

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از زمان انتشار در سامانه تا مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۱۷ می باشد.

مهلت زمانی ارائه پاکت الف و بارگزاری در سامانه ستاد: مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۹

زمان بازگشایی پاکتها : مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۳۰

میزان سـپرده شـرکت در مناقصه: ۴۴۲.۰۰۰.۰۰۰ریال ضما نت نامه معتبر بانکی بنام شـرکت فرودگاهها و ناوبری هوایی ایران - فرودگاه بین المللی شهید سپهبد قاسم سلیمانی اهواز میباشد.

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد مناقصه:

استان خوزستان - اداره کل فرودگاههای استان خوزستان - تلفن: ۳۴۱۰۸۲۲۲-۰۶۱

شرکت فرودگاهها و ناوبری هوایی ایران

اداره کل فرودگاههای استان خوزستان